

فهرست

مقدمه	۱۳
بخش اول: قانون آیین دادرسی مدنی.....	۱۵
فصل اول: مقدمه آیین دادرسی مدنی (مواد ۱ تا ۱۰)	۱۵
فصل دوم: قواعد مربوط به صلاحیت‌های مراجع حقوقی.....	۲۸
مبحث اول: صلاحیت ذاتی محاکم حقوقی (مواد ۱۰، ۱۱ ق.آ.د.م و پاره از مواد از قوانین خاص و قانون شورای حل اختلاف ۱۴۰۲).....	۲۸
مبحث دوم: صلاحیت محلی (مواد ۱۲ تا ۲۵ ق.آ.د.م).....	۴۶
دعای علیه ترکه متوفی (ماده ۲۰ ق.آ.د.م).....	۶۰
دعای علیه تاجر متوقف یا ورشکسته (ماده ۲۱ ق.آ.د.م).....	۶۴
دعای علیه شرکت‌های تجاری (مواد ۲۲ و ۲۳ ق.آ.د.م).....	۶۹
وضعیت اناطه (ماده ۱۹ ق.آ.د.م).....	۷۷
مبحث سوم: تعدد صلاحیت (مواد ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۳ ق.آ.د.م).....	۸۱
مبحث چهارم: اختلاف در صلاحیت.....	۹۴
وکالت در دعاوی (مواد ۳۱ تا ۴۷ ق.آ.د.م).....	۱۱۱
شرایط دادخواست و ضمانت اجرای آن.....	۱۳۷
ب: بهای خواسته (مواد ۶۱ تا ۶۳ ق.آ.د.م).....	۱۵۲



- آثار تعیین بهای خواسته ۱۵۴
- شیوه تعیین بهای خواسته ۱۵۸
- اعتراض به بهای خواسته ۱۷۵
- جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی (مواد ۶۵ تا ۶۶ ق.آ.د.م) ۱۸۵
- ابلاغ (مواد ۶۷ تا ۸۳ ق.آ.د.م) ۱۹۳
- مبحث ایرادات شکلی (مواد ۸۴ تا ۹۲ ق.آ.د.م) ۱۹۹
- الف: ایراد عدم صلاحیت دادگاه ۲۰۲
- ب: ایراد امر مطروحه ۲۰۳
- پ: ایراد عدم اهلیت خواهان و خوانده ۲۰۷
- ت: ایراد عدم احراز سمت خواهان ۲۱۰
- ث: ایراد عدم توجه دعوا به خوانده ۲۱۴
- ج: ایراد امر مختومه ۲۱۸
- چ: ایراد ذینفع نبودن خواهان ۲۳۱
- ح: ایراد عدم ترتب آثار قانونی بر دعوا ۲۳۲
- ایراد جزمی نبودن دعوا (ظنی یا احتمالی بودن دعوا) ۲۳۵
- خ: ایراد نامشروع بودن دعوا ۲۳۸
- ز: ایراد خارج از موعد مطرح شدن دعوا ۲۴۰
- مهلت ایرادات (مواد ۸۷، ۸۸، ۸۹ ق.آ.د.م) ۲۴۳
- ایراد رد دادرسی (مواد ۹۱ و ۹۲ ق.آ.د.م) ۲۴۶
- تکلیف اصحاب دعوا در جلسه دادرسی (مواد ۹۳ تا ۹۷ ق.آ.د.م) ۲۵۹
- کاهش، افزایش و تغییر خواسته (ماده ۹۸ ق.آ.د.م) ۲۷۷
- توقیف دادرسی در اثر فوت، حجر یا زوال سمت (مواد ۱۰۵ و ۱۰۶) ۲۹۹

فهرست ۷

تأمین خواسته (مواد ۱۰۸ و ۱۱۱ تا ۱۲۴ ق.آ.د.م.)	۳۳۷
تأمین دعوای واهی (مواد ۱۰۹ و ۱۰۰ ق.آ.د.م.)	۳۶۹
دعای طاری (مواد ۱۳۰ تا ۱۴۳ ق.آ.د.م.)	۳۷۲
الف: دعوای اضافی	۳۷۵
ب: دعوای ورود ثالث	۳۷۷
پ: دعوای جلب ثالث	۳۸۶
ت: دعوای متقابل	۳۹۳
تأمین اتباع بیگانه (مواد ۱۴۴ تا ۱۴۸ ق.آ.د.م.)	۴۰۵
تأمین دلیل و اظهارنامه (مواد ۱۴۹ تا ۱۵۷ ق.آ.د.م.)	۴۰۸
سازش و درخواست آن (مواد ۱۷۸ تا ۱۹۳ ق.آ.د.م.)	۴۳۰
مبحث دوم: درخواست سازش	۴۳۶
ادله اثبات دعوا (مواد ۱۹۴ تا ۲۸۹ ق.آ.د.م.)	۴۳۶
مبحث دوم: اقرار	۴۴۴
مبحث سوم: اسناد	۴۵۰
انکار و تردید و ادعای جعل نسبت به اسناد	۴۵۷
ادعای جعل نسبت به اسناد:	۴۶۲
رسیدگی به اصالت اسناد	۴۷۱
گواهی گواهان	۴۷۵
تحقیقات محلی و معاینه محلی	۴۸۵
قرار کارشناسی	۴۹۱
سوگند	۴۹۶
نیابت قضایی	۵۰۲

مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای آیین دادرسی مدنی

- ۵۰۲ ختم رسیدگی و انشاء و پاک‌نویس رأی
- ۵۰۳ واخواهی (مواد ۳۰۳ تا ۳۰۸ ق.آ.د.م.)
- ۵۳۸ تصحیح رأی
- ۵۶۲ تجدیدنظر خواهی (مواد ۳۲۶ تا ۳۶۵ ق.آ.د.م.)
- ۵۶۲ الف: آرای قابل تجدیدنظر خواهی
- ۵۶۷ ب: موانع تجدیدنظر خواهی
- ۵۷۵ پ: آیین دادرسی تجدیدنظر خواهی
- ۵۸۵ جهات تجدیدنظر خواهی (ماده ۳۴۸ ق.آ.د.م.)
- ۵۹۲ تصمیمات دادگاه تجدیدنظر
- ۶۰۵ تأیید یا نقض قرار قاطع صادره از دادگاه بدوی
- ۶۱۱ دلیل و ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر خواهی
- ۶۱۵ صدور حکم غیابی از دادگاه تجدیدنظر
- ۶۲۰ استرداد دادخواست تجدیدنظر خواهی (ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م.)
- ۶۲۲ فرجام خواهی (مواد ۳۶۷ تا ۴۱۶ ق.آ.د.م.)
- ۶۲۲ آرا قابل فرجام خواهی
- ۶۳۰ موانع فرجام خواهی
- ۶۳۶ جهات فرجام خواهی
- ۶۳۶ الف: فقدان صلاحیت دادگاه صادر کننده رأی
- ۶۴۸ آیین دادرسی فرجام خواهی
- ۶۵۵ تصمیمات دیوان عالی کشور
- ۶۵۹ نقض قرار توسط دیوان
- ۶۶۷ قواعد و ترتیب رسیدگی در دادگاه هم عرض

فهرست ۹

۶۷۱	فرجام تبعی
۶۷۲	اعتراض شخص ثالث (مواد ۴۱۷ تا ۴۲۵ ق.آ.د.م)
۶۸۰	اقسام اعتراض ثالث
۶۹۴	دستور توقف اجرای حکم در اعتراض ثالث
۶۹۷	اعاده دادرسی (مواد ۴۲۶ تا ۴۴۱ ق.آ.د.م)
۷۰۷	آیین دادرسی اعاده دادرسی
۷۱۱	اقسام اعاده دادرسی (اصلی: طاری)
۷۱۳	اعاده دادرسی از احکام مطروحه دیوان عالی کشور
۷۲۴	مواعد: (مواد ۴۴۲ تا ۴۵۳ ق.آ.د.م)
۷۲۹	داوری (مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ ق.آ.د.م)
۷۵۳	اعتراض به رأی داور و ابطال آن
۷۶۶	خسارت دادرسی
۷۶۸	مستثنیات دین

بخش دوم: قوانین خاص مرتبط با آیین دادرسی مدنی ۷۷۱

۷۷۱	فصل اول: قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲ ... ۷۷۱
۷۷۲	الف: صلاحیت شعب بدوی دیوان عدالت اداری
۷۷۴	ب: صلاحیت شعب تجدیدنظر
۷۷۵	ج: صلاحیت هیات عمومی دیوان عدالت اداری
۷۸۵	اختلاف در صلاحیت دیوان عدالت اداری
۷۸۷	دستور موقت در دیوان عدالت اداری
۸۰۷	ب: قانون اجرای احکام مدنی

مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای آیین دادرسی مدنی



- ۸۱۸ خلع ید از اموال غیرمنقول مشاعی
- ۸۲۲ توقیف اموال منقول
- ۸۲۴ توقیف محکوم به در تصرف شخص ثالث
- ۸۳۳ توقیف اموال غیرمنقول
- ۸۳۵ تشریفات مزایده
- ۸۳۸ اعتراض ثالث اجرایی (مواد ۱۴۶ و ۴۷ ق.ا.ا.م)
- ۸۴۷ پ: قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
- ۸۵۷ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱
- ۸۶۱ ت: قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲
- ۸۶۷ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰
- ۸۷۷ قانون امور حسبی
- ۸۷۸ به استناد ماده ۴۰ قانون امور حسبی
- ۸۷۹ آیین دادرسی کار
- ۸۸۰ قوانین مرتبط با ثبت اسناد و املاک
- ۸۸۲ «آیین نامه‌ی اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا»
- ۸۸۳ سایر قوانین

بخش اول: قانون آیین دادرسی مدنی

فصل اول: مقدمه آیین دادرسی مدنی (مواد ۱ تا ۱۰)

۱ با فرض اینکه در خصوص یک پرونده حقوقی قانونی وجود داشته باشد، قاضی رسیدگی کننده به پرونده، در چه صورتی می تواند از قانون عدول کرده و برخلاف قانون اقدام به صدور رأی نماید؟

(۱) در صورتی که قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند.

(۲) در صورتی که قانون ناقص یا مجمل باشد.

(۳) در صورتی که قاضی مجتهد الاشرایط باشد و قانون را خلاف نظر اجتهادی خود بداند.

(۴) در هیچ صورتی قاضی حق صدور رأی خلاف قانون را ندارد.

☒ گزینه ۴ صحیح است.

در خصوص این سوال باید به نص ماده ۳ قانون و تبصره آن دقت کرد. بر اساس نص ماده، قاضی باید طبق قانون رأی صادر نماید و تنها در سه مورد می تواند قانون را کنار گذاشته و طبق منابع معتبر اسلامی یا اصول حقوقی و فتاوای معتبر رسیدگی کند. این سه مورد عبارتند از:

۱- قانون کامل نباشد

۲- قانون صریح نباشد

۳- قوانین متعارض باشند

۴- قانونی در خصوص قضیه مطروحه وجود نداشته باشد.

از سوی دیگر، بر اساس تبصره همان ماده در صورتی که قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند مکلف است از رسیدگی به پرونده امتناع کرده (قرار امتناع از رسیدگی) و با اعاده

بخش اول: قانون آیین دادرسی مدنی ۲۵

۱۱ دعوایی در دادگاه عمومی مطرح می‌گردد و این دادگاه قرار عدم صلاحیت صادر و آن را به مرجع صالح «خانواده» ارجاع می‌دهد. در زمانی که هنوز مرجع مرجوع الیه به این قرار عدم صلاحیت رسیدگی نکرده است، قانون تغییر یافته به طوری که اینک دادگاه عمومی صالح به رسیدگی است. تکلیف دادگاه مرجوع الیه نسبت به قرار عدم صلاحیت چیست؟

- (۱) باید نسبت به رسیدگی به پرونده اقدام نماید
 - (۲) در هر حال پرونده باید به دادگاه عمومی بازگردانده شود و این دادگاه مکلف به تبعیت و رسیدگی است.
 - (۳) مرجع مرجوع الیه مکلف است پرونده را به مرجع حل اختلاف در صلاحیت ارسال نماید
 - (۴) پرونده باید به دادگاه عمومی بازگردانده شود و این دادگاه مکلف به رسیدگی نیست
- ✓ گزینه ۴ صحیح است.

بر اساس سوالات قبلی به سادگی می‌توان به این سوال نیز پاسخ داد. در این سوال دادگاه عمومی زمانی که اقدام به صدور قرار عدم صلاحیت نموده بود به درستی رفتار کرده است اما بعد از صدور قرار عدم صلاحیت با تغییر و اصلاح قانون، نسبت به همان پرونده صلاحیت پیدا کرده است. خب تکلیف این است که دادگاه مرجوع الیه مجدداً را به موجب دستور قانون جدید به دادگاه عمومی بازگرداند تا این دادگاه مجدداً در مورد صلاحیت خود اظهارنظر نماید. با این حال مکلف به رسیدگی نیست و ممکن است اعتقاد به عدم صلاحیت خود داشته باشد. با این توضیحات ایرادات گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ روشن می‌شود.

۱۲ کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص قواعد مربوط به آیین دادرسی مدنی در مفهوم عام صحیح نیست؟

- (۱) قواعد مربوط به صلاحیت‌های ذاتی همواره آمره است
- (۲) قواعد مربوط به آیین دادرسی مدنی در مفهوم اخص اصولاً تخییری است
- (۳) قواعد مربوط به سازمان قضاوتی آمره است
- (۴) قواعد مربوط به صلاحیت‌های محلی اصولاً تخییری است

✓ گزینه ۲ صحیح است.

می‌دانیم که قواعد آیین دادرسی مدنی در مفهوم عام خود به سه دسته تقسیم می‌گردد: ۱- قواعد مربوط به سازمان قضاوتی

بخش اول: قانون آیین دادرسی مدنی ۵۷

۵۵ دعوی مالکیت راجع به مال غیر منقول علیه شرکت (وکالت-۱۳۹۲)

- (۱) باید در محل وقوع مال غیر منقول اقامه شود، حتی اگر شرکت دولتی باشد.
- (۲) باید در مرکز اصلی شرکت اقامه شود، البته اگر شرکت دولتی باشد.
- (۳) خواهان می تواند دعوی را در محل انعقاد عقد یا مرکز اصلی شرکت اقامه نماید.
- (۴) خواهان می تواند دعوی را در مرکز اصلی شرکت یا محل وقوع مال غیر منقول اقامه نماید.

✓ گزینه ۱ صحیح است.

فلسفه اینکه دعوی مربوط به اموال غیر منقول باید در محل وقوع مال غیر منقول مطرح شود این است که دادگاه رسیدگی کننده به پرونده نزدیک ملک باشد که در صورت نیاز به صدور قرار کارشناسی، تحقیقات محلی یا معاینه محلی نیازی به صدور نیابت نباشد و به سادگی و سرعت بتوان قراردادهای مزبور را اجرا کرد. بنابراین، در این خصوص تفاوتی نمی کند که خوانده دعوا شخص حقیقی باشد یا حقوقی. پس هر جا دیدید دعوا مربوط به اموال غیر منقول است بزنید محل وقوع مال غیر منقول.

۵۶ قراردادی بین دو نفر که مقیم تهرانند، در تهران تنظیم می شود و در آن تعهد به

تنظیم سند رسمی یک دستگاه خودرو و ملکی که در زاهدان واقع است می شود.

در این صورت دعوی الزام به تنظیم سند رسمی (ارشد سراسری-۱۳۹۰)

- (۱) در صلاحیت دادگاهی است که خواهان انتخاب می نماید
- (۲) در صلاحیت دادگاه زاهدان است.
- (۳) در صلاحیت دادگاه تهران است.
- (۴) خودرو در صلاحیت دادگاه تهران و ملک در صلاحیت دادگاه زاهدان است.

✓ گزینه ۴ صحیح است.

هرگاه از یک عقد یا قرارداد واحد دو حق ایجاد گردد که یکی منقول باشد و دیگری غیر منقول و شخص بخواهد هر دو حق را مطالبه نماید دو راهکار دارد:

۱- در صورتی که بخواهد برای هر کدام دادخواست مستقل بدهد، دادخواست مربوط به دعوی منقول باید در دادگاه محل اقامتگاه خوانده و دادخواست مربوط به دعوی غیر منقول در دادگاه محل وقوع مال غیر منقول باید مطرح شود.

۲- چون هر دو حق از یک عقد ناشی شده اند و به عبارتی دارای «منشا واحد» می باشند؛ خواهان حق دارد برای هر دو دعوا یک دادخواست تقدیم نموده و یک دعوا اقامه نماید که در

۱۱۲ حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه عمومی و دادگاه انقلاب، در صلاحیت کدام

مراجع است؟

(ارشد سراسری-۱۳۹۷)

(۱) حل اختلاف مطرح نمی‌شود، چون امکان اختلاف در صلاحیت وجود ندارد.

(۲) فقط اگر از دو حوزه استان باشند، دیوان عالی کشور

(۳) در هر حال، دادگاه تجدید نظر استان

(۴) در هر حال، دیوان عالی کشور

✓ گزینه ۴ صحیح است.

بر اساس آنچه در توضیحات سوالات قبلی گفتیم، اختلاف در صلاحیت بین دو دادگاه از دو استان در هر حال در صلاحیت دیوان عالی کشور است. اختلاف در صلاحیت بین دو دادگاه از یک استان نیز با وجود اینکه اصولاً در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر همان استان است اما استثنائاً در خصوص حدوث اختلاف در صلاحیت بین (عمومی با انقلاب) و (عمومی با نظامی) و (نظامی با انقلاب) باز هم مرجع حل اختلاف در صلاحیت دیوان عالی کشور است؛ هر چند که هر دو دادگاه واقع در یک استان باشند. در این سوال نیز اختلاف در صلاحیت بین دادگاه عمومی با دادگاه انقلاب از مواردی است که در هر حال حل اختلاف آن در صلاحیت دیوان عالی کشور است.

۱۱۳ دادگاه صلح شیراز پرونده‌ای را دریافت کرده و به صلاحیت دادگاه عمومی ارومیه

قرار عدم صلاحیت صادر می‌نماید. دادگاه عمومی ارومیه اعتقاد دارد خود دادگاه صلح شیراز صالح به رسیدگی بوده است، در این صورت چه واکنشی باید نشان دهد؟

(۱) جهت حل اختلاف در صلاحیت پرونده را به شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان فارس ارسال می‌نماید.

(۲) بر اساس قانون جدید شورای حل اختلاف، پرونده را مختومه اعلام می‌نماید

(۳) بر اساس قانون جدید شورای حل اختلاف نظر دادگاه عمومی بر دادگاه صلح لازم الاتباع است

(۴) جهت حل اختلاف در صلاحیت پرونده را به شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی ارسال می‌نماید.

✓ گزینه ۴ صحیح است.

بخش اول: قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷

از سوی موکل گرفته باشد. در غیر این صورت با ختم دادرسی مرحله‌ی بدوی، سمت وی در پرونده به پایان می‌رسد و پس از آن تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی با خود موکل است. بنابراین، فوت یا حجر وکیل سابق وی نباید تأثیری در پرونده داشته باشد.

دادخواست و شرایط ناظر بر آن (مواد ۴۸ تا ۶۰ ق.آ.د.م)

قابل توجه داوطلبین محترم آزمون‌های حقوقی: با توجه به اینکه امروزه دادخواست به صورت الکترونیکی ثبت می‌گردد و نظر به بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۵۰۸۹/۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۱۴ معاونت حقوقی و امور علمی قوه قضاییه که ثبت دادخواست به صورت سنتی را ممنوع اعلام کرده است، مواد و مباحث مربوط به شرایط شکلی دادخواست عمدتاً کاربرد آزمونی خود را از دست داده‌اند و در عمل نیز مشاهده شده است که سنوات اخیر هیچ سوالی از این بخش‌ها مطرح نمی‌گردد. برای پرهیز از اتلاف وقت داوطلبین محترم تنها از مواد و نکاتی که همچنان ارزش آزمونی خود را حفظ کرده‌اند سوال طرح خواهیم کرد و از سوالات سنوات نیز تنها مواردی که ممکن است همچنان مطرح شود در این کتاب منعکس خواهد شد.

شرایط دادخواست و ضمانت اجرای آن

۱۷۳ هرگاه در دادخواست، خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد، کدام اقدام صورت خواهد گرفت؟ (قضاوت-۱۳۹۵)

- ۱) ظرف دو روز به موجب قرار دفتر دادگاه، رد می‌شود.
- ۲) ظرف دو روز به موجب قرار دادگاه، رد می‌شود.
- ۳) در دفتر دادگاه اخطاریه‌ای به دیوار الصاق می‌شود تا ظرف ده روز رفع نقص شود، در غیر این صورت توسط دادگاه دادخواست ابطال می‌شود.
- ۴) در دفتر دادگاه، اخطاریه‌ای به دیوار الصاق می‌شود تا ظرف ده روز رفع نقص شود، در غیر این صورت توسط مدیر دفتر رد می‌شود.

✓ گزینه ۱ صحیح است.

این سوال و سوالات این شکلی امروزه دیگر در آزمون‌های حقوقی مطرح نمی‌گردد و درستش نیز همین است. در ایام قدیم دادخواست به صورت دستی روی کاغذ و فرم مخصوصی نوشته می‌شد. در آن زمان گاهی دیده می‌شد خواهان نوشتن آدرس یا نام خود را فراموش کرده و دادخواست را بدون مشخصات خود تقدیم کرده است. گاهی نیز نام و مشخصات خود را

مبحث ایرادات شکلی (مواد ۸۴ تا ۹۲ ق.آ.د.م)

۲۵۲ خواننده در پاسخ به دعوای خواهان، ضمن دفاع ماهوی، ایراد می‌نماید. کدام مورد صحیح است؟
(وکالت-۱۳۹۳)

(۱) چنانچه ایراد تا پایان اولین جلسه مطرح نشود، دادگاه در هر حال قرار رد ایراد را صادر می‌نماید.

(۲) چنانچه ایراد تا اولین جلسه دادرسی مطرح نشود، دادگاه در هر حال قرار رد ایراد را صادر می‌کند و این قرار قابل تجدید نظر است.

(۳) چنانچه ایراد تا پایان اولین جلسه دادرسی مطرح نشود، دادگاه مکلف نیست بدون ورود در ماهیت، راجع به آن تصمیم‌گیری نماید.

(۴) چنانچه ایراد تا اولین جلسه دادرسی مطرح نشود، دادگاه در هر حال قرار رد ایراد را صادر می‌کند.

✓ گزینه ۳ صحیح است.

این سوال را بهانه‌ای قرار دادیم تا تفاوت دفاع ماهوی و دفاع شکلی را بیان کنیم. پس با حوصله کامل این سطور را مطالعه نمایید. وقتی دعوایی علیه شخصی مطرح می‌گردد، خواننده می‌تواند برای اینکه پیروز دعوا بشود و ادعای خواهان را رد کند دو نوع تاکتیک دفاعی اتخاذ نماید: ۱- دفاع ماهوی ۲- دفاع شکلی.

اول - دفاع ماهوی:

دفاع ماهوی دفاعی است که خواننده در مقابل خواسته اصلی مطرح کرده و قصد دارد ثابت نماید که خواهان حقی در خصوص ادعایی که مطرح نموده، ندارد.

الف- خواهان ادعا دارد از خواننده مبلغی را طلبکار است، و خواننده آن را انکار می‌کند و یا با سندی که در اختیار دارد دفاع می‌کند که مبلغ مورد نظر را به خواهان پس داده و حتی رسید نیز اخذ کرده است.

ب- خواهان ادعا دارد ملکی را از خواننده خریداری کرده ولی خواننده برخلاف تعهدات خود خانه را تحویل وی نمی‌دهد. خواننده دفاع می‌کند که معامله مزبور را به خیار غبن فسخ کرده است و دیگر تکلیفی در تحویل خانه ندارد.

ج- زوجه ادعا دارد که زوج نفقه او را پرداخت نمی‌نماید؛ در مقابل زوج دلیل عدم پرداخت نفقه را عدم تمکین زوجه می‌داند و در صدد اثبات عدم تمکین او می‌باشد.

دقت کنید؛ در تمامی مثال‌های فوق خواننده کاری با شکل اقامه دعوا ندارد، بلکه در صدد

بخش اول: قانون آیین دادرسی مدنی ۲۸۳

۳۶۹ افزایش بهای خواسته، در کدام یک از موارد زیر، امکان پذیر است؟ (قضاوت-۱۳۹۲)

- (۱) در تمام مراحل دادرسی
- (۲) در تمام مراحل دادرسی، به شرط رضایت خوانده
- (۳) فقط تا پایان اولین جلسه
- (۴) در صورتی که با دعوای طرح شده، هزینه دادرسی آن تودیع گردد.

✓ هیچ یک از گزینه ها صحیح نیستند.

این سوال احتمالاً ناشی از مسامحه طراح سوال باشد. چون چیزی به نام «افزایش بهای خواسته» در هیچ کجای آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی نشده است. در حقیقت، آنچه در ماده ۹۸ ق.آ.د.م با رعایت شرایط مجاز اعلام شده «افزایش خواسته» است نه افزایش بهای خواسته. افزایش بهای خواسته به این معنی است که خواهان دست به خواسته خود نزند و فقط بهای آن را بیافزاید که باعث بالا رفتن هزینه دادرسی و تغییر مرجع صالح و سایر موارد خواهد شد. با اینکه افزایش خواسته به طور طبیعی باعث افزایش بهای خواسته خواهد شد، اما اینکه خواهان خواسته خود را دست نزده باقی گذارد و قصد داشته باشد تنها بهای خواسته را بیافزاید امری است که در هیچ کجا مجاز اعلام نشده است. اتفاقاً در یکی از نشست‌هایی قضایی نیز در این خصوص بحث و تبادل نظر شده و قاطع قضات با همین دیدگاه موافق بوده‌اند. اما در خصوص گزینه صحیح باید بگوییم اگر منظور طراح سوال افزایش خواسته بوده است که در این صورت گزینه ۳ صحیح است و اگر نه تعمداً منظور همان افزایش بهای خواسته بوده باید گفت هیچ یک از گزینه‌ها صحیح نیست و در جواب این سوال باید گفت: افزایش بهای خواسته تحت هیچ شرایطی ممکن نیست.

۳۷۰ خواهان تا چه زمانی می‌تواند بهای خواسته را افزایش دهد؟ (مرکز وکلا-۱۳۹۲)

- (۱) تا پایان اولین جلسه
- (۲) در تمام مراحل دادرسی
- (۳) باید دادخواست جداگانه تقدیم محکمه نماید
- (۴) با تقدیم لایحه تا پایان اولین جلسه دادرسی

✓ گزینه ۳ صحیح است.

متأسفانه به نظر می‌رسد همان اشتباه باز در سوال آزمون مرکز وکلای ۱۳۹۲ رخ داده و معلوم نیست واقعاً طراحان سوال تفاوت بین افزایش خواسته با افزایش بهای خواسته را نمی‌دانند؟

ب: دعوای ورود ثالث

۵۰۸ در دعوای ورود ثالث چه شخص یا اشخاصی باید به عنوان خوانده دعوای ورود ثالث درج گردند؟

- (۱) خواهان و خوانده دعوای اصلی - در غیر این صورت قرار عدم استماع دعوا صادر می شود.
- (۲) خواهان و خوانده دعوای اصلی - در غیر این صورت قرار رد دادخواست صادر می گردد.
- (۳) ننوشتن نام هر دو طرف دعوای اصلی از موارد نقص دادخواست ورود ثالث است و باید ظرف مهلت ده روز رفع نقص گردد.
- (۴) باید نام طرفی نوشته شود که وارد ثالث او را معارض حق خود می داند.

✓ گزینه ۱ صحیح است.

از دیدگاه رویه قضایی و استادان آیین دادرسی مدنی، شخص ثالث باید در دادخواست ورود ثالث نام خواهان و خوانده دعوای اصلی را در ستون خوانده درج نماید. در غیر این صورت به سبب اینکه دعوا به طرز صحیح و قانونی مطرح نشده است دادگاه به ماهیت دعوای ورود ثالث وارد نشده و قرار عدم استماع دعوا صادر می نماید.

۵۰۹ شخص ثالثی که قصد ورود به دعوای اصلی را دارد....

- (۱) هرگاه از دادرسی بدوی بی اطلاع باشد حق دارد در مرحله تجدیدنظر وارد شود
- (۲) تنها در صورتی که در دادرسی بدوی دادخواست وی رد شده باشد حق ورود به مرحله تجدیدنظرخواهی را دارد
- (۳) در صورتی که در مراحل بدوی و تجدیدنظر وارد نشود، حق دارد در مرحله فرجام خواهی ورود ثالث نماید
- (۴) هرگاه نخواهد یا نتواند وارد دعوای اصلی شود، حق دارد از رأی صادره در دعوای اصلی اعتراض ثالث نماید.

✓ گزینه ۴ صحیح است.

ورود ثالث و جلب ثالث تنها دعوای هستند که می توان ابتدا به ساکن در مرحله ی بدوی یا مرحله تجدیدنظر مطرح کرد و طرح آنها در مرحله تجدیدنظر منوط بر بی اطلاعی یا رد دعوا در مرحله بدوی نیست. از سوی دیگر هرگاه شخص ثالث وارد دعوای اصلی شود و ورود وی موفقیت آمیز باشد، در این صورت دیگر «عنوان ثالث» را ندارد جز اصحاب دعوای اصلی محسوب می گردد بنابراین تنها می تواند از طرق معمول نسبت به رأی صادره اعتراض نماید.

مبحث دوم: درخواست سازش

۶۰۲ در درخواست سازش در صورتی که علیرغم ابلاغ صحیح، خواننده از حضور استنکاف نماید، دادگاه چه اقدامی انجام می‌دهد؟ (وکالت-۱۳۹۴)

- (۱) مراتب را صورتمجلس کرده و به درخواست‌کننده سازش برای اقدام قانونی اعلام می‌نماید.
- (۲) درخواست را برای رسیدگی به اصل دعوا در نوبت رسیدگی قرار می‌دهد.
- (۳) به رسیدگی خود ادامه داده و رأی صادر می‌نماید.
- (۴) جلسه رسیدگی را تجدید می‌نماید.

☒ گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ۱۹۰ ق.آ.د.م

۶۰۳ چنانچه دعوایی در جریان رسیدگی نباشد و از دادگاه درخواست سازش شود، در مورد ترتیب دعوت طرف و تکلیف دادگاه در صورت عدم حصول سازش، کدام گزینه درست است؟ (ارشد-۱۳۹۹)

- (۱) ترتیب دعوت همان است که برای احضار خواننده مقرر است، دادگاه آنان را برای طرح دعوا ارشاد می‌کند.
- (۲) ترتیب دعوت همان است که برای احضار خواننده مقرر است، دادگاه نباید آنان را برای طرح دعوا ارشاد کند.
- (۳) ترتیب دعوت بدون رعایت تشریفات است، دادگاه باید آنان را برای طرح دعوی ارشاد کند.
- (۴) ترتیب دعوت بدون رعایت تشریفات است، دادگاه نباید آنان را برای طرح دعوا ارشاد کند.

☒ گزینه ۱ صحیح است.

به استناد ماده ۱۸۷ و قید «اقدام قانون» در ماده ۱۹۰ ق.آ.د.م

ادله اثبات دعوا (مواد ۱۹۴ تا ۲۸۹ ق.آ.د.م)

۶۰۴ دلایلی که برای اثبات اعمال حقوقی استفاده می‌شود تابع قانون زمان
و دلایلی که برای اثبات وقایع حقوقی به کار گرفته می‌شوند تابع قانون زمان می‌باشند.

بر اساس قانون، درخواست تأمین خواسته و دستور موقت تنها مستلزم پرداخت هزینه دادرسی دعاوی غیرمالی می‌باشند. اما باید دانست قرار تأمین خواسته و قرار دستور موقت دعوا محسوب نمی‌گردند که به مالی و غیرمالی تقسیم شوند بلکه فقط به درخواست فرعی‌اند که هزینه دادرسی‌شان برابر با دعاوی غیرمالی است.

تجدیدنظرخواهی (مواد ۳۲۶ تا ۳۶۵ ق.آ.د.م)

الف: آرای قابل تجدیدنظرخواهی

۸۱۶ کدام یک از طرق شکایت از رأی، هم زمان واجد اثر تعلیقی و اثر انتقالی است؟
(قضاوت شورا-۱۳۹۶)

(۱) تمام طرق فوق‌العاده (۲) برخی طرق فوق‌العاده

(۳) تمام طرق ماهوی (۴) تمام طرق عادی

✓ گزینه ۴ صحیح است.

طرق شکایت به دو دسته تقسیم می‌گردند:

۱- طرق عادی شکایت: واخواهی و تجدیدنظرخواهی

۲- طرق فوق‌العاده شکایت: فرجام خواهی، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث.

از میان طرق شکایت از آرا واخواهی و تجدیدنظرخواهی که از طرق عادی هستند هم دارای اثر تعلیقی بر اجرای رأی می‌باشند و هم دارای اثر انتقالی می‌باشند.

۸۱۷ تجدیدنظرخواهی از کدام حکم، مانع اجرا نیست؟ (قضاوت-۱۳۹۵)

(۱) الزام به تنظیم سند رسمی (۲) رفع تصرف عدوانی

(۳) الزام به تحویل مبیع (۴) خلع ید

✓ گزینه ۲ صحیح است.

تجدیدنظرخواهی اثر تعلیقی دارد. یعنی:

۱- وقتی رأی غیرقطعی صادر شد تا زمانی که ۲۰ روز مهلت تجدیدنظرخواهی پایان نیافته محکوم‌له حق درخواست اجراییه ندارد.

۲- در صورتی که محکوم‌علیه داخل در بیست روز اقدام به تقدیم دادخواست تجدیدنظرخواهی نماید، اجرای حکم معلق می‌گردد تا نتیجه تجدیدنظرخواهی مشخص شود.

تجدیدنظر در دعوای ورود ثالث به نفع وارد ثالث و بر علیه تجدیدنظر خواه یا تجدیدنظر خوانده یا هر دو صادر می‌شود، غیابی بوده و قابل واخواهی از سمت ایشان است.

استرداد دادخواست تجدیدنظرخواهی (ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م)

۹۰۰ کدام یک از گزینه‌های زیر در خصوص استرداد دادخواست تجدیدنظرخواهی صحیح است؟

(۱) تا قبل از ختم دادرسی مرحله تجدیدنظرخواهی ممکن است و دادگاه تجدیدنظر قرار ابطال دادخواست را صادر می‌نماید.

(۲) تا قبل از صدور رأی مرحله تجدیدنظرخواهی ممکن است و دادگاه بدوی قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.

(۳) تا قبل از صدور رأی مرحله تجدیدنظر ممکن است و دادگاه تجدیدنظر قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.

(۴) تا اولین جلسه مرحله تجدیدنظرخواهی ممکن است و دادگاه بدوی یا تجدیدنظر حسب مورد قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.

☒ گزینه ۳ صحیح است.

استرداد دادخواست تجدیدنظر از لحظه تقدیم دادخواست تا قبل از صدور رأی مرحله تجدیدنظر ممکن است. در این صورت دادگاه تجدیدنظر مکلف به صدور قرار ابطال دادخواست است (ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م). این قرار به سبب اینکه از دادگاه تجدیدنظر صادر شده است قطعی است. در این خصوص دقت شود استرداد دادخواست در مراحل واخواهی، فرجام خواهی و اعاده دادرسی نیز همین حکم را دارد و در هر حال منتهی به صدور قرار ابطال دادخواست می‌گردد (مثلاً قرار ابطال دادخواست فرجام خواهی). اما استرداد دادخواست یا دعوا در مراحل بدوی داستان مخصوص خود را داشت که در جای خود بررسی شد.

۹۰۱ چنانچه هر یک از طرفین دعوا، دادخواست تجدیدنظر خود را مسترد نماید، دادگاه تجدیدنظر چه قراری صادر می‌نماید؟
(وکالت-۱۳۹۴)

(۱) قرار عدم استماع دعوای تجدیدنظر (۲) قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر

(۳) قرار سقوط دعوای تجدیدنظر (۴) قرار رد دعوای تجدیدنظر

ماده ۳۷۷ ق.آ.د.م در این خصوص اشعار می‌دارد: «در صورت وجود یکی از موجبات نقض، رای مورد تقاضای فرجام نقض می‌شود اگرچه فرجام‌خواه به آن جهت که مورد نقض قرار گرفته استناد نکرده باشد».

آیین دادرسی فرجام‌خواهی

۹۴۰ چنانچه نسبت به رأی راجع به اصل نکاح که از دادگاه خانواده صادر می‌شود در مهلت مقرر تجدیدنظرخواهی نشود و دادخواست فرجام نیز خارج از مهلت مقرر تقدیم شود؛ مرجع صدور قرار رد دادخواست فرجامی و شکایت از این قرار در صلاحیت (وکالت-۱۳۹۲)

- ۱) دادگاه نخستین - دیوان عالی کشور است.
- ۲) مدیر دفتر دادگاه - نخستین دیوان عالی کشور است.
- ۳) دادگاه نخستین - دیوان عالی کشور است البته اگر محکوم علیه زوج باشد.
- ۴) دادگاه نخستین - دیوان عالی کشور است البته اگر محکوم علیه زوجه باشد.

✓ گزینه ۱ صحیح است.

مرجع تقدیم دادخواست فرجام‌خواهی دادگاه صادرکننده رأی قطعی است. این دادگاه حسب مورد می‌تواند دادگاه بدوی یا تجدیدنظر باشد. با این توضیح که اگر رأی از دادگاه بدوی صادر و به سبب عدم تجدیدنظرخواهی قطعی شود، دادگاه صادرکننده رأی دادگاه بدوی است و اگر به سبب تجدیدنظرخواهی پرونده در دادگاه تجدیدنظر مطرح و در این دادگاه رأی قطعی شود؛ دادگاه صادرکننده رأی قطعی دادگاه تجدیدنظر خواهد بود. در این خصوص تفاوتی نمی‌نماید رأی دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید رأی دادگاه بدوی باشد یا تغییر آن. در این مساله نیز حکم از دادگاه بدوی (خانواده) صادر شده و به سبب عدم تجدیدنظرخواهی در همین دادگاه خانواده قطعی شده است بنابراین دادخواست باید به دفتر همین دادگاه تقدیم شود و چون خارج از مهلت بوده خود دادگاه خانواده (و نه دفتر آن) قرار رد دادخواست فرجامی را صادر خواهد کرد. در پایان نیز باید بگوییم مرجع شکایت از قرار رد دادخواست فرجامی یکی از شعب دیوان عالی کشور است (ماده ۳۸۳ ق.آ.د.م) تفاوتی نمی‌نماید که قرار رد دادخواست از بدوی صادر شده باشد یا تجدیدنظر. با این توضیحات واضح است که گزینه ۱ بهترین انتخاب خواهد بود.

بخش اول: قانون آیین دادرسی مدنی **۷۱۱**

می باشد. (ماده ۴۲۹ ق.آ.د.م). البته در این خصوص باید دقت کرد اگر حکم مبنی بر اثبات جعلی بودن مستندات دادگاه یا اثبات حيله یا تقلب از دادگاه کیفری صادر شده باشد، ابتدا مهلت از تاریخ ابلاغ حکم قطعی است.

اقسام اعاده دادرسی (اصلی: طاری)

۱۰۳۰ هرگاه محکوم علیه، ضمن دادرسی نسبت به دعوای دیگری که یکی از اصحاب آن است به حکم محکومیت که به عنوان دلیل علیه وی ابراز شده اعتراض کند، این عمل محسوب می شود. (مرکز وکلاء - ۱۳۹۲)

- | | |
|-----------------------|-----------------------|
| (۱) اعتراض ثالث اصلی | (۲) اعاده دادرسی اصلی |
| (۳) اعاده دادرسی طاری | (۴) اعتراض ثالث طاری |

✓ گزینه ۳ صحیح است.

به مانند اعتراض ثالث که به دوروش اصلی و طاری قابل اعمال است؛ اعاده دادرسی نیز به دو روش اصلی و طاری تقسیم می گردد. ابتدا یک توضیح مفصل در خصوص هر یک از این دو روش بیان می کنیم سپس پاسخ سوال را خواهیم گفت.

الف - اعاده دادرسی به روش اصلی: تصور کنید حکم قطعی علیه شما صادر شده است و پس از ابلاغ آن یکی از جهات اعاده دادرسی را در آن می یابد. در این صورت باید به دادگاه صادرکننده حکم قطعی مراجعه کرده و دادخواست اعاده دادرسی را تقدیم دادگاه نمایید. دادگاه ابتدا جهات را بررسی می نماید و در صورتی که جهات اعاده دادرسی را وارد دانست «قرار قبول دادخواست اعاده دادرسی» را صادر خواهد کرد و بعد از آن وارد رسیدگی شده و نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم می نماید.

نکته ۱: اعاده دادرسی اصلی مستلزم تقدیم دادخواست، پرداخت هزینه دادرسی و رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

نکته ۲: دادخواست اعاده دادرسی اصلی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقدیم می گردد و همین دادگاه نیز مبادرت به رسیدگی خواهد کرد. اگر حکم از دادگاه بدوی صادر و از آن تجدیدنظرخواهی به عمل آید و دادگاه تجدیدنظر نیز حکم صادر نماید، در این صورت دادگاه صادرکننده حکم قطعی دادگاه تجدیدنظر خواهد بود، چه حکم دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید حکم دادگاه بدوی باشد، چه اینکه دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی را نقض و حکم جدیدی صادر کرده باشد.

مستثنیات دین

۱۱۲۳ کدام مورد جزء مستثنیات دین محکوم علیه محسوب می‌شود؟ (قضاوت-۱۳۹۰)

- (۱) مغازه آهنگر
- (۲) حقوق دریافتی کارمند
- (۳) تراکتور کشاورز
- (۴) چوب موجود در مغازه تجاری

✓ گزینه ... صحیح است.

۱۱۲۴ چنانچه موضوع دعوا عین معین باشد و در اجرای قرار تأمین خواسته توقیف

شده باشد و حکم به استرداد آن نیز صادر شده باشد، خواهان نسبت به این مال،
در برابر بستانکاران و محکوم مشمول مستثنیات دین
(وکالت-۱۳۹۱)

- (۱) حق تقدم دارد - می‌باشد
- (۲) حق تقدم ندارد - می‌باشد
- (۳) حق تقدم دارد اگر چه خوانده تاجر بوده و ورشکسته شده باشد - نمی‌باشد
- (۴) حق تقدم دارد به شرط آنکه خوانده تاجر ورشکسته نباشد - نمی‌باشد

✓ گزینه ۳ صحیح است.

بر اساس ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی «مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

- الف - منزل مسکونی که عرفاً در شان محکوم علیه در حالت اعسار او باشد.
- ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.
- ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.
- د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شان آنها.
- ه - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است.
- و - تلفن مورد نیاز مدیون.
- ز - مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت

۱۲۳۶ در مالکیت اثاث موجود در اقامتگاه زن و شوهر اختلاف شده است و هیچ یک از دو طرف دعوی دلیلی بر اثبات ادعای خود ندارد. در این فرض، مالک چگونه معین می‌شود؟

- (۱) آنچه عادتاً مورد استعمال زنانه است ملک زن و آنچه عادتاً مورد استعمال مردانه است ملک شوهر و بقیه مشترک بین زوجین محسوب است مگر اینکه خلاف این ترتیب ثابت شود.
- (۲) اثاث مورد اختلاف به زن تعلق دارد مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن ارائه شود.
- (۳) اثاث مورد اختلاف به مرد تعلق دارد مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن ارائه شود.
- (۴) اثاث موجود در خانه متعلق به کسی است که مالک خانه است.

✓ گزینه ۱ صحیح است

ماده ۶۳ ق.ا.ا.م در پاسخ به این سوال مقرر می‌دارد: از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می‌شود مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد.

۱۲۳۷ بر اساس قانون اجرای احکام مدنی، کدام عبارت صحیح است؟ (وکالت-۱۳۹۰)

- (۱) اموال منقول خارج از محل کار یا محل سکونت محکوم علیه در صورتی قابل توقیف است که دلایل و قرائن کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد
- (۲) چنانچه عین محکوم به غیر منقولی در تصرف ثالث باشد و متصرف نسبت به آن ادعای حقی از عین یا منافع نماید، این امر مانع عملیات اجرایی نیست
- (۳) اموال منقولی که داخل محل سکونت یا محل کار محکوم علیه باشد در صورتی توقیف می‌شود که دلایل و قرائن کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد
- (۴) مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد در صورتی قابل توقیف نیست که متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت نماید و دلایلی نیز ارائه نماید

✓ گزینه ۱ صحیح است.

به استناد مواد ۶۱ و ۶۲ قانون اجرای احکام مدنی

۱۲۳۸ وجه نقدی که در کیف دستی محکوم علیه باشد..... (ارشد سراسری-۱۳۹۰)